

يك حكایت صو فیما زه

شیخ فریدالدین کوید : سلطان از شیخ ابوالحسن خرقانی یاد کاری خواسته بود ، شیخ بیراهن عودی از آن خود بدو داد پس سلطان برفت بغزا در آن وقت که به سومات شد بیم آن رفت که شکست خواهد شد تا گسار از اسپ فرود آمد و بگو شة شد و روی بخاک نمود و آن خر قه را شفیع کرد! نید و خداوندی را فتح نصیب کرد چون قلعه کشاده شد سلطان امر داد تا به دور بت سومات آتش افروختند و آن پارچه پارچه کردند و سربت را به غز نه آورد و در میدان بیش بت چکر سوم نهاد و قسمتی از آنرا در نردبان عروس الفلك گذاشت *

سپاسگزاری بیدل

هر چند عریست شمع انجمن حضورش خلوت افروز عالم بی رنگیت
قون عجز آهنک بیدل همان مرهون رهز مه نه نیت او است ورشته ساز انقاس
همچنان شکر نوای حقیق تربیت او باستفاضه انوار خدمتش چه خور شد
نگاهان که لعمه توجه شان بر این شبنم ضعیف تقاض و با استفاده آثار صحبتش
چه بزرگانی که نظر الثقات شان این مشت خاک را دریافت *

«سلطنت غزنویان» بقلم استاد خلیلی از انتشارات انجمن تاریخ افغانستان
(۵) فیض قدس از آثار گرانبهای استاد خلیلی و از انتشارات انجمن تاریخ افغانستان است
کسی که باشم و ادب و تصوف و بالاخص با پیر کامل عرفان حضرت بیدل آشنایی و عشقی دارد
حتماً از مطالعه این کتاب محظوظ خواهد گشت .

سیستم اداری سامانیان

- ۱- دیوان وزارت : تمام امور سیاسی و اقتصادی مملکت را مراقبت میکرد و بر تمام دیوانهای دیگر ریاست داشت .
 - ۲- دیوان مستوفی : رشته های مالی حکومت را تنظیم می نمود .
 - ۳- دیوان شرطه : تقریباً شبیه وزارت داخله امروز بود .
 - ۴- دیوان مشرف : مسئول رسیدگی اعمال وزراء و مورین دولتی بود .
 - ۵- دیوان محکمه خاص : وظیفه اش سرپرستی اراضی دولتی بود .
 - ۶- دیوان محتسب : امور شرعی و خرید و فروش کالا و اجناس را مراقبت میکرد و بصورت عمومی اعمال همه مردم را از لحاظ دین مورد رسیدگی قرار میداد .
 - ۷- دیوان اوقاف : کارهای مساجد و اوقاف دیگر را زیر کنترل قرار میداد .
 - ۸- دیوان قضا : به حل و فصل دعاوی و مراجعات مردم میگوشتید . دیوانها همه در يك عمارت عالی نزدیک سرای شاهی موقع داشت ... مالیات این دوره را به چهل و پنج مایون درهم تخمین میکنند .
- بعلاوه دیوان که در رأس آن وزیر و صاحب تدبیر قرار داشت مقام مقتدر دیگری نیز بنام درگاه موجود بوده و حاجب سالار در رأس آن بود و امور مربوط به شخص شاه را انجام میداد .
- دستگاه سومی که اهمیت آن کم از اول و دوم نبود عبارت از مقام سپهسالاری و لشکر کشی جیوش خراسان بود ، در رأس آن سپهسالار بمشوره وزیر و حاجب سالار مقرر می شد و باز رأی خود سپهسالار در ابقا یا عزل وزیری که او را بر کزیده بوده مدخلیت داشت .*

● اقتباس از رساله «سامانیان» تألیف احمد علی مجیبی که از انتشارات انجمن افغانستان است .

اوضاع اقتصادی خراسان در عهد طاهریان *

... از صنایع هرات پارچه های زنانه ابریشمی ، کشمش ، پسته ، شر بتهای
متنوع ، آلات و ادوات فولادی شهرت داشت و بخارج صادر میشد .
فاحیه کوهستانی غور و غرجهستان مقدار زیاد گلیم و نمک و اسپ و قاطر
صا در میکرد .

حاصلات نواحی بلخ کنجد ، برنج ، بادام ، کشمش و صابون بود ایالت
بلخ در تربیه زنبور عسل و ساختن حلویات و شیرینی و اقسام مربا نیز شهرت
داشت و روغن ، چرم و پوست حیوانات ، شاخ و پوست قره قل از جمله
صادرات آن بود .

... اعانه که در اوایل خلافت عباسی جهت تقویه شئون اسلام از خراسان
به بغداد فرستاده می شد متجاوز از چهل میلیون در هم بود .
مقدار اموال و اشیائی که از خراسان مخصوصاً از هرات و بلخ و سیستان
در آن زمان بخارج صادر میگشت تخمیناً ازین قرار بود :
قره دوهزار شمش - کلاهیست هزار نوب ، حلویات و قند سفید دوهزار
وطل - ابریشم خام هزار کلاوه - ادویه و نباتات طبیبی و غیره سه هزار وطل
یا بو و اسپ چار هزار رأس - کوسنند ده هزار سر .

* به فصل طاهریان که شامل قسمتی از جلد سوم تاریخ افغانستان است تالیف علی احمد نعیمی
از انتشارات انجمن تاریخ افغانستان ر جوع شود .

لباس سپاهیان سلطان محمود

... مهمترین پارچه لباس غلامان سرای سلطانی را بیهقی بنام قبا باد کرده و این قبا به مفهومی که هنوز پیش خود داریم و تصاویر عین آنرا نشان میدهد لباسی بود بلند که از یخن نازیرز او را می پوشانید. چپه گردن عربض و فراخ داشت که وقت پوشیدن ما نند چین یکی روی دیگر می آمد. آستین های آن تا بیخ دست می آمد و تنگ بود و به بازو و ساعد می چسبید. پارچه قبارا هم استاد بیهقی معین کرده و آنرا دیبای شوشتری خوانند. قراریکه روی تصاویر نگاه میل کنیم همه غلامان سرای سلطانی قباهای شوشتری دو بردارند ولی پارچه آن متحد الشکل نیست. متن پارچه به رنگهای سرخ و کلابی و آبی و زرد و نوارهای است ولی گلها و تزئینات روی متن پارچه فرق دارد بعضی خانه های مربع دارد در میان هر مربع ستاره ای دیده می شود. برخی خطوط عمودی دارد و قطارهای خالهای مدور روی آن دیده می شود. بعضی خطوط عمودی دارد ولی در فاصله میان خطوط گلپای مارپیچ و نوشته های عمودی کوفی ملاحظه می شود. روی متن پارچه بعضی از قباها دایره های بزرگ با گلها و نوشته های کوفی تشخیص می شود و باین ترتیب تقریباً در همه قباها از لحاظ رنگ و گل و برگ تزئینات تفاوتها می دیده می شود و به تصور میتوان گفت که منظره دسته جمعی غلامان سرای سلطین غزنوی با قباهای ملون ابریشمی شوشتری نهایت زیبا و قشنگ بوده روی هر دو بازوی تمام سربازان نواری ملاحظه می شود که شاید نام و نشان دسته مربوطه آنها در آن نوشته شده بود. از چاک بخن آنها زیر لباسی بنظر می خورد که مانند پیراهن های امروزی افغانی بخته آن یک طرف بسته میشد.

در یک تصویربری که تا با حراب نشده موزه هائی مشاهده می شود نظیر موزم های چرمی نرم که هنوز هم در میان ازبک های صفحات شمال ممالک معمول است و روی آن خاک دوزی ها میکنند و این خاک دوزی ها از آن وقت ها تا حال از بین نرفته (۱)

(۱) از کتاب لسكر گاه تالیف احمد علی كهزاد نشریه شماره (۲۵) اجمن تدریج افغانستان با اختصار اقتباس شد.